

پند و اندرز، خیر خواهی و ارشاد دیگران به راهی است که صلاح طرف باشد. عقلانیت بشر مقتضی پندگویی و اندرز پذیری است. به این معنا که انسان می‌کوشد تا آنچه را از حقانیت دریافته به دیگران منتقل کند و دیگران نیز با توجه به موفقیت‌های پند دهنده، اندرزهایش را می‌پذیرند. از اینجا دانسته می‌شود که الگو بودن پنددهنده تا چه اندازه می‌تواند در پندگیرنده موثر باشد. آموزه‌های قرآنی نیز بر لزوم اندرزگویی و پندپذیری تأکید می‌کند؛ زیرا انسان راها از خسران ابدی را کسی می‌داند که خود از دوزخ دنیا گذشته و دستگیر دیگران شده باشد. اینجاست که امر به معروف و نهی از منکر به عنوان بخشی از رستگاری هر فردی مطرح می‌شود. به سخن دیگر، اندرزگویی بخشی از امر به معروف و نهی از منکر است که خود عامل راهای انسان از زیان ابدی و دستیابی به رستگاری است. نویسنده در این مطلب اهمیت، نقش و آثار پند و اندرز را در زندگی بشر در دنیا و آخرت براساس آموزه‌های قرآنی تشریح کرده است.

## نگاهی به اهمیت و آثار اندرزگویی و خیر خواهی از نگاه قرآن

# پند و نصیحت؛ وظیفه اجتماعی

**اهمیت و ارزش نصیحت**

یکی از آموزه‌های قرآنی، امر به معروف و نهی از منکر است. این بدان معناست که ایمان تنها در قالب راهی خود از خسران معنا نمی‌یابد، بلکه همان گونه که بر هر کسی فرض است که با ایمان و عمل صالح خود را از خضم الهی حفظ کند، لازم است تا دیگران را نیز به دو شکل راهنمایی یا دستگیری یاری رساند و با ارائهٔ طریق یا رساندن به مطلوب، وظیفه اجتماعی خویش را نیز انجام دهد.(سوره صصر)

بر این اساس، هر کسی موظف است تا علاوه بر انجام تکالیف فردی، به وظیفه اجتماعی خویش نیز عمل کند تا در مقام انسان کامل از دوزخ دنیا و تعلقات آن به بهشت راهبی و رستگاری برسد. از این‌رو اسلام را دینی اجتماعی دانسته‌اند، چرا که رستگاری هر فردی در گرو انجام وظایف و تکالیف اجتماعی نسبت به دیگران است. همین معنا به اشکال گوناگون در آموزه‌های دستوری قرآن تبیین و توصیه شده است. از جمله این وظایف اجتماعی می‌توان به جهاد در راه خدا و دفاع از مظلومان و مستضعفان جهان بی‌توجه به دین و نژاد و آیین، انفاق و احسان به دیگران، کمک به یتیمان و سرپرستی آنان و دهها قانون و حکم اجتماعی دیگر اشاره کرد.

از جمله این وظایف اجتماعی، مسئله امر به معروف و نهی از منکر است. به این معنا که هر یک از افراد جامعه نسبت به دیگری مسئولیتی دارد که از آن به ولایت نیز یاد می‌شود. این ولایت و یا مسئولیت موجب می‌شود تا نسبت به افکار و اعمال دیگری بی تفاوت نباشد و از هر گونه راهنمایی و کمک به وی در تصحیح و اصلاح شناخت و نگرش‌ها و نیز رفتارها و اعمال دریغ نورزد.

انجام این وظیفه اجتماعی و برداشتن تکلیف از دوش خود تنها زمانی اتفاق می‌افتد که در همه اشکال و در حد امکان و استطاعت عمل کند. مراتب گوناگون و سطوح متعددی برای این وظیفه اجتماعی

## با نگاهی به آموزه‌های قرآنی می‌توان گفت که نصیحت و خیر خواهی برای دیگران، تکلیفی همگانی و ساقط نشدنی است.

بیان شده است که یکی از ابعاد و سطوح آن پند و نصیحت کردن

دیگران است. نصیحت، همان خیر خواهی و ارشاد دیگران به راهی است که صلاح طرف باشد و او را به رستگاری در دنیا و آخرت برساند. ناصح کسی است که اراده خوبی نسبت به دیگران داشته و با خلوص و پاکی نیت، می‌کوشد تا دیگران را به نصیحت درست و صحیح راهنمایی کند. با نگاهی به واژه عربی نصیحت می‌توان دریافت که خلوص در اندرزگویی نقش کلیدی و اساسی دارد؛ زیرا نصح به معنای خلص و پاک گردانیدن است و شخص نصیحت‌کننده، با خلوص و پاکی نیت در اندیشه خیرسانی به دیگری است تا با انجام فعل و یا گفتاری، دیگری را به صلاح برساند و مسیر درست را به او نشان دهد. (نگاه کنید: نثر طویلی، ج ۲، ص ۴۶۷، ذیل قول درص) از آن جهت که در علم اخلاق، نصیحت از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است.

پند و اندرز، خیر خواهی و ارشاد دیگران به راهی است که صلاح طرف باشد. عقلانیت بشر مقتضی پندگویی و اندرز پذیری است. به این معنا که انسان می‌کوشد تا آنچه را از حقانیت دریافته به دیگران منتقل کند و دیگران نیز با توجه به موفقیت‌های پند دهنده، اندرزهایش را می‌پذیرند.

**فقر و تنگدستی چه در بعد فردی و چه اجتماعی آن از منظر آموزه‌های وحیانی**
**یک امر جبری و ذاتی نیست، بلکه محصول مجموعه‌ای از علل و عواملی است**
**که موجبات پیدایش پدیده فقر را فراهم می‌سازد.**
**نوشتر حاضر در مقام تبیین عوامل اجتماعی فقر و کاهش رزق و روزی انسان است که اینک تقدیم خوانندگان محترم می‌گردد.**

\*\*\*\*\*

مجموعه عوامل فقر و تنگدستی و کاهش رزق و روزی به دو عرصه فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود. در بعد اجتماعی مهم‌ترین عامل فقر و بدبختی گروهی از انسان‌ها و به وجود آمدن اختلاف و تضاد طبقاتی، ساختار ناسالم نظام اقتصادی حاکم بر جوامع و وجود روابط ظالمانه بین افراد است. در طول تاریخ نظام‌های اقتصادی غیرالهی که عمدتاً مطابق خواست ثروتمندان و قدرتمندان شکل گرفته، از جهات مختلف زمینه فقر و تنگدستی اکثریت و ثروت انبوه اقلیت را فراهم نموده است.

نظام اقتصادی اسلام با شناسایی این عوامل به مبارزه پیگیر و مستمر با آنها می‌پردازد که در اینجا به اهم عوامل اجتماعی فقر و کاهش رزق و روزی اشاره می‌کنیم.

**۱- مالکیت خصوصی نامحدود**

قرآن کریم از یک سو مبنای رزق و روزی مردم را در زمین گسترده بیان می‌کند: «و زمین را گستردیم و در آن کوه‌های ثابتی را افکندیم» و از هر گیاه موزون در آن رویاپدیدیم و برای شما انواع وسایل زندگی را در آن قرار دادیم.» (حجر- ۱۹)

از طرف دیگر، هر انسانیی براساس فریژه «حب نفس» دوست دارد هر شیئی با ارزش و سودمند را به مالکیت خود درآورد. در چنین شرایطی اگر مالکیت خصوصی حدی نداشته باشد، اقلیتی با سوءاستفاده از فرصت‌ها و بهره‌گیری از موقعیت‌ها، منابع طبیعی مذکور را تصرف کرده، دیگران را از دسترسی به سرچشمه‌های رزق و روزی محروم می‌کنند. آن گروه از نظام اقتصادی که به محض کشف و تسلط فرد بر یکی از منابع طبیعی و ثروت‌های عمومی، مالکیت خصوصی وی را به رسمیت شناخته و دیگران را از بهره‌مندی از آن ثروت محروم می‌کنند، آشکارا زمینه را برای فقر و تنگدستی گروهی و پدید آمدن ثروت انبوه برای گروهی دیگر را فراهم می‌سازند.علی(ع) در همین زمینه می‌فرماید: من هیچ ثروت انبوهی را در جایی ندیدم مگر آنکه در کنار آن حقی ضایع شده باشد.

**۲- آزادی نامحدود**

آزادی از مواهب ارزشمند خدا برای انسان‌ها است و در عرصه اقتصادی، وجود بازارهای آزاد کالاها و عوامل تولید باعث گسترش روزافزون مبادلات، به کارگیری عوامل تولید و اشتغال و بروز استعدادها و ابتکارات و پدیدار شدن امکانات جدید و در نتیجه عامل پیشرفت و توسعه و رفاه انسان‌ها است، ولی همانند هر نعمت دیگری اگر از آن به صورت صحیح استفاده نگردد چه‌بسا خود تبدیل به مشکل و عامل بدبختی گردد. اگر در همه زمان‌ها و مکان‌ها تمام انسان‌ها از سطح اجتماعی، موقعیت اجتماعی و اقتصادی، و روش و استعداد یکسانی برخوردار بودند شاید وجود آزادی‌های مطلق مردم مطلوب و پسندیده بود، ولی با وجود اختلاف مراتب انسان‌ها در این



از همین آیه فوق همچنین به دست می‌آید که خداوند در صورت انجام مسئولیت‌های اجتماعی، شخص را مورد مغفرت خویش قرار می‌دهد.

یکی از مقامات بلند انسانی، مقام احسان است که قرار گرفتن در آن اختصاص به ششماری اندک از افراد دارد. کسانی که بخواهند به عنوان محسن از سوی خداوند شناخته و از نتایج و آثار آن بهره‌مند شوند، می‌بایست به اندرزگویی و انجام مسئولیت‌های اجتماعی به عنوان یک راهکار توجه کنند. خداوند در همین آیه ۹۱-سوره توبه، دستیابی به مقام محسنان را از طریق انجام مسئولیت‌های اجتماعی چون جهاد و اندرزگویی می‌داند. البته در همین آیه به خوبی روشن شده است که اصل دستیابی به رحمت و غفران الهی از طریق جهاد و انجام مسئولیت‌های سخت‌تر اجتماعی است ولی برای کسانی که

تواناز از انجام مسئولیت‌های سخت‌تر اجتماعی هستند و به سخن دیگر دارای عذر شرعی و عقلاهی می‌باشند، راه دستیابی همان اندرزگویی و تشویق دیگران به عقلاهی خیر و صلاح فردی و اجتماعی است. **شرایط نصیحت و اندرزگویی**

نصیحت کردن وظیفه و مسئولیت اجتماعی برای همگان است. با این همه برای تأثیرگذاری نصیحت باید شرایطی فراهم شود.

**خداوند به عنصر محبت و علاقه توجه می‌دهد و می‌فرماید که اگر نصیحت کنندگان با محبت و علاقه نسبت به مردم عمل کنند، نصیحت ایشان تأثیر گذار خواهد بود. در حقیقت، محبت اندرز گو نسبت به مردم و از جمله نصیحت شوند، زمینه‌ساز تأثیر پذیری از نصیحت می‌شود.**

از جمله این شرایط می‌توان به اخلاص در نیت اشاره کرد. البته هر شخصی می‌بایست این شرط را در هر کار دینی و شرعی داشته باشد، زیرا آنچه حسن فعلی را به شمال نیست استندسته است نسبت به این روحیه پس تنها کار نیک کردن برای انجام کارهای شرعی نمی‌تواند موثر باشد؛ بلکه نیت پاک و خالص است که هر عملی را به کمال رشدی خود می‌رساند.

به سخن دیگر، عمل صالح در کنار ایمان و نیت پاک و خالص است که به کمال می‌رسد و تأثیرات خود را در شخص و جامعه به جا می‌گذارد. هر عمل دینی می‌بایست بر اساس اخلاص و نیت پاک انجام گیرد و گرنه هیچ تأثیری نخواهد داشت. از این‌رو خداوند در آیاتی از جمله آیه ۹۱ سوره توبه بر اخلاص نصیحت‌کننده و اندرزگو تأکید دارد.

از دیگر شرایطی که قرآن برای نصیحت‌کننده بیان می‌کند، رعایت امانت و خیرخواهی است. (اعراف، آیه ۶۸) خداوند در آیه این صفت امین را برای ناصح بیان می‌کند و با تأکید بر این شرط می‌کوشد تا نشان دهد که چگونه امانتداری می‌تواند نصیحت را تأثیر گذار کند. به‌ عبارت دیگر، برای اینکه نصیحت تأثیرات مثبت خود را بر شخص و جامعه به جا گذارد، می‌بایست مخاطب و پندپذیر باور کرد که اندرزگو شخصی امین است و همان گونه که حافظ مال و جان و عرض آدمی است، حافظ حق و بیان صلاح و خیر او نیز می‌باشد و می‌خواهد با نصیحت، او را به صلاح و خیرش برساند.

همه پیامبران، راهنمایان به سوی خیر و صلاح بودند(اعراف، آیات ۶۲ ، ۶۵، ۶۸ و نیز هود، آیات ۲۲ و ۳۴) و خود را به عنوان انسان‌های

امین معرفی می‌کردند و مومنان نیز این را درک می‌کردند و بر اساس

### معارف

Maaref@Kayhan.ir



**نصیحت، همان خیر خواهی و ارشاد دیگران به راهی است که صلاح طرف باشد و او را به رستگاری در دنیا و آخرت برساند. ناصح کسی است که اراده خوبی نسبت به دیگران داشته و با خلوص و پاکی نیت، می‌کوشسد تا دیگران را به مسیر درست و صحیح راهنمایی کند.**

همین باور بود که از آنان پیروی می‌کردند. هود پیامبر(ص) در مقام نصیحت‌گویی بر رعایت امانت در نصیحت و خیر خواهی خویش تأکید می‌کند تا نشان دهد که نصیحت او بر اساس اصل امانتداری نسبت به حق و حقیقت است.(اعراف، آیات ۶۵ تا ۶۸)

نصیحت‌کننده اگر از جایگاه اجتماعی برخوردار باشد و مردم او را به عنوان الگو و سرمشق بپذیرند، نصیحتش تأثیر گذارتر خواهد بود. بر این اساس خداوند به عنصر محبت و علاقه توجه می‌دهد و می‌فرماید که اگر نصیحت‌کنندگان با محبت و علاقه نسبت به مردم عمل کنند، نصیحت ایشان تأثیر گذار خواهد بود. در حقیقت، محبت اندرزگو نسبت به مردم و از جمله نصیحت شوند، زمینه‌ساز تأثیر پذیری از نصیحت می‌شود.(اعراف، آیات ۷۳ تا ۷۹) از اینجا می‌توان دریافت که جایگاه و موقعیت اجتماعی شخص تا چه اندازه در تحقق اهداف پند و پندپذیری می‌تواند تأثیر گذار باشد.

البته در تأثیرپذیری نمی‌توان از این نکته غافل شد که افراد می‌بایست روح پذیرش نصیحت را داشته باشند. بسیاری از مردم نسبت به پند و اندرز واکنش منفی نشان می‌دهند، زیرا آن را در حکم نقد فکری و رفتاری وی می‌یابند و هر کسی خود را حتی اگر کامل نداند، ولی دوست نمی‌دارد که ناقص و کاستی‌هایش آشکار و یا بیان شود. از این‌رو ستایش و مدح همواره مورد استقبال همگانی است، ولی هرگونه نقد و پند مذموم و مردود است.

خداوند در آیه ۳۴-سوره هود، تأثیر نصیحت ناصحان را مشروط به نصیحت‌پذیری انسان‌ها دانسته است. این بدان معناست که برخی از مردم اصولاً نسبت به پند و اندرز واکنش منفی نشان می‌دهند، چنانکه قوم نوح بر اثر لجاجت، از پند حضرت(ع) تأثیر نمی‌پذیرفتند و برخلاف صلاح خویش رفتار می‌کردند.از دیگر شرایط نصیحت این است که شخص به حقایق آگاه و نسبت به امور باطل شناخت داشته باشد و بتواند خیر و صلاح را از شر و فساد تشخیص دهد.(اعراف، آیه ۶۲)

**موانع نصیحت پذیری**

از مهم‌ترین موانع نصیحت‌پذیری می‌توان به روحیه تکبر و

**خداوند به عنصر محبت و علاقه توجه می‌دهد و می‌فرماید که اگر نصیحت کنندگان با محبت و علاقه نسبت به مردم عمل کنند، نصیحت ایشان تأثیر گذار خواهد بود. در حقیقت، محبت اندرز گو نسبت به مردم و از جمله نصیحت شوند، زمینه‌ساز تأثیر پذیری از نصیحت می‌شود.**

از جمله این شرایط می‌توان به اخلاص در نیت اشاره کرد. البته هر شخصی می‌بایست این شرط را در هر کار دینی و شرعی داشته باشد، زیرا آنچه حسن فعلی را به شمال نیست استندسته است نسبت به این روحیه خطرناک هشدار می‌دهد؛ زیرا مهم‌ترین عامل نابودی و هلاکت اقوام و افراد است.

از سوی دیگر، تقلید از نیاکان، از انگیزه‌های مهم در عدم پذیرش نصیحت است؛ زیرا افراد بر این گمان هستند که راه و روش نیاکان همواره درست است و بی‌آنکه هر یک از راه و روش آنان را در چارچوب نقد و بررسی علمی و عقلی قرار دهند، کور کورانه از آن پیروی می‌کنند و با ناصحان خیرخواه به مجادله و مبارزه بر می‌خیزند و نیز بار سخن صلاح و خیر نمی‌روند؛ زیرا می‌خواهند سنت‌ها و آیین‌های باطل و نادرست نیاکان خویش را حفظ کنند. (اعراف، آیات ۶۵ تا ۷۰)

از دیگر موانع می‌توان به روحیه لجاجت و ستیزه جویی افراد اشاره کرد که اجازه نمی‌دهد تحت تأثیر نصیحت خیرخواهان قرار گیرند. (اعراف، آیات ۲۲ تا ۲۴)

عدم محبت و علاقه نسبت به ناصحان نیز از دیگر موانع پذیرش است.(اعراف، آیات ۷۳ تا ۷۹) بنابراین، بهترین شیوه آن است که نخست راهی به سوی محبت جست‌ه شود تا زمینه تأثیر پذیری نصیحت فراهم آید.

هر کسی بخواهد در امر تبلیغ موفقیت یابد و دیگران را تحت تربیت و پرورش درست قرار دهد، می‌بایست از نصیحت به عنوان روشی مطلوب استفاده کند و برای دستیابی به موفقیت نیز از عوامل محبت‌زا و عاطفی بهره جوید.(اعراف، آیات ۶۲ و ۷۲ و ۷۹ و هود، آیه ۳۴)

دیگری با انبوهی از بدهی روبرو خواهد شد.

**۴- رواج گناه و اعمال ناشایست**

در جهان‌بینی اسلامی، عوامل افزایش یا کاهش روزی منحصر در مسایل مادی نیست. وجود روابط سالم و برادرانه میان افراد جامعه، مراعات ضوابط عفاف و تقوا، شکر نعمت و توجه شایسته به دستورات الهی، موجب رحمت پروردگار و گسترش نعمت‌های الهی خواهد شد و در نقطه مقابل، رواج گناه و اعمال ناشایست، بی‌توجهی به نیازمندان و محرومان، کفران نعمت و روی گردانی افراد از ارزش‌های الهی، اسباب غضب الهی و قطع نعمت و فراموش خواهد آرد. به‌ عبارت دیگر، رفتار ناشایست آحاد افراد اجتماع علاوه بر تأثیرگذاری منفی بر زندگی شخصی و خانوادگی آنان، تأثیری منفی نیز بر زندگی اجتماعی افراد جامعه خواهد داشت. به این جهت در تنبیه اسلام علاوه بر تأکید روی عوامل گذشته، اصلاح روابط اجتماعی و رعایت تقوا از اسباب نزول برکات الهی به شمار آمده است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «لر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آورند و تقوا پیشه می‌کردند بر کات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم.» (اعراف- ۹۶)

**۵- بی‌اعتنایی به نیازمندان**

در هر جامعه‌ای گروهی می‌توانند از طریق کار و فعالیت اقتصادی، نیازمندی‌های خود را تأمین کنند. گروهی دیگر تنها بخشی از نیازمندی‌های خود را برآورده می‌کنند، و گروهی به دلیل نداشتن توان فعالیت اقتصادی یا فقدان زمینه فعالیت، قادر به تأمین نیازهای خود نیستند، در جوامع مختلف گرچه افراد به جهت داشتن عواطف و احساسات به نیازمندان کمک می‌کنند، اما هیچیک از نظام‌های اقتصادی رایج به صورت نظاممند جایگاهی برای آنان و روش‌هایی مشخص برای تأمین نیاز مستمندان در نظر نمی‌گیرند. در حالی که در نظام اقتصادی اسلام علاوه بر توصیه‌های کلی و تحریک عواطف انسانی و معنوی برای تأمین نیازمندی‌های گروه سوم و تکمیل نیازهای گروه دوم، دو راه مشخص پیش‌بینی شده است:

**۱- مسئولیت‌امت**، یعنی افراد جامعه نسبت به تأمین نیازهای حیاتی یکدیگر مسئولیت متقابل دارند که در حد سایر فرائض لازم‌الاجرا است. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: کسی که شب سیر بخواهد در حالی که همسایه‌اش گرسنه باشد به لب ایمان نیآورد

است. (کافی، ج ۲، ص۶۶۸)
**۲- مسئولیت دولت:** یعنی دولت اسلامی وظیفه دارد با استفاده از منابعی که در اختیار اوست، از طریق فراهم کردن زمینه‌های اشتغال و بسترهای کار و فعالیت مناسب و حمایت‌های همه‌جانبه، معیشت شهروندان جامعه اسلامی را در سطح مناسب کرامت انسانی تأمین کند. پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرماید: خدا را به یاد هر حاکم اسلامی پس از خود می‌آورم... مردمان را فقیر نکند که در نتیجه کافرشان خواهد کرد. (الحیات، ج ۳، ص ۴۲۲)

**صفحه معارف روزه‌های شنبه، یک‌شنبه و سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود**
**تلفن‌های مستقیم: ۰۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۰۲۲۲۱۰۳۵۲**
**Maaref@kayhan.ir**

**صفحه ۸ پنج‌شنبه ۲۲ تیر ۱۳۹۶**
**۱۸ شوال ۱۴۳۸ - شماره ۲۱۶۷۰**

**چراغ راه**

### دروغ؛ دری به سوی نفاق

قال‌النبی(ص): «ان‌الکذب‌باب‌من‌ابواب‌النفاق» پیامبر گرامی(ص) فرمود: همانا دروغ، دری از درهای نفاق است.<sup>(۱)</sup>

۱-کنزالعمال، ج ۸۲۱۲

### حکایت خوبان

**اوصاف منافقین**
امام رضاع) در جواب نامه محمد بن فضیل که از حضرت مسئله‌ای پرسیده بود، ضمن توصیف منافقین به وسیله آیات ۱۴۲ و ۱۴۳ سوره نساء که می‌فرماید: (منافقین به خداوند خدعه می‌کنند، و خدا هم به آنان خدعه می‌کند، و با کسالت نماز می‌گزارد و ریا می‌کند و به یاد خدا نیستند، مگر اندکی، نه با مومنانند، نه با کفار و کسی که از خدا و هدایت الهی جدا شد، راهی برای نجات نمی‌یابد) فرمودند: منافقین نه از کافرینند و نه از مومنین، و نه از مسلمانن، اظهار ایمان می‌کنند، ولی روش زندگیشان کفر و تکذیب خاست، از رحمت خدا دور می‌باشند.)

امام سجاده(ع) درباره صفات منافقین می‌فرماید: منافق عمل می‌کند به آنچه که دیگران را از آن نهی می‌کند و امر می‌کند به آنچه که خودش عمل نمی‌کند، نماز می‌خواند، بدون توجه به خدا، رکوع می‌کند ولی چیزی از توجه به خدا و کرنش در او نیست. روز را به شب و شب را به روز می‌رساند، در حالی که همه تلاشش خوردن و خوابیدن است، اگر حرف بزند دروغ می‌گوید، و اگر به او اعتماد کنی خیانت می‌کند، پشت سرت غیبت می‌کند، و اگر وعده دهد خلف وعده می‌کند.<sup>(۱)</sup>

حضرت علی(ع) به مسلمانانی که با او می‌جنگیدند نسبت شرک و نفاق نمی‌داد (که این نشانگر بزرگی نفاق است) بلکه می‌فرمود: اینها برادران ما هستند که به ما ظلم می‌کنند و ما ما می‌جنگند.<sup>(۲)</sup>

۱- الکافی، ج ۲، ص ۳۹۶ -۲- همان، ص ۳۹۷
۳- وسائل‌الشیعه، ج ۱۵، ص ۸۲

**پرسش و پاسخ**

### رابطه جریان نفاق با دین

**پرسش:**
از منظر قرآن چه اشخاص و یا جریانی از دین اسلام، استفاده ابزاری می‌کنند و آن را در جهت اهداف غیرالهی خود به کار می‌گیرند؟

**پاسخ:**
در سه بخش قبلی پاسخ به این سؤال ضمن تأکید بر اینکه جریان نفاق پیچیده‌ترین و خطرناک‌ترین جریان در جامعه اسلامی است، و مهم‌ترین ویژگی منافقان استفاده ابزاری از دین اسلام است، به مفهوم و زمینه‌های پیدایی نفاق و راه‌های شناخت منافقان پرداختیم. اینک در تکمیل مباحث قبلی، بخش پایانی را بی‌می‌گیریم.

**۴- استفاده ابزاری از دین اسلام**

در آیه نخست سوره منافقون در تحلیل علت اینکه به اسلام روی آورده و شهادتین را به زبان می‌آورند می‌گوید: اذآ جاك المنافقون قالو نشهد انك لرسول الله والله يعلم انك لرسوله والله نشهد ان المنافقین لكاذبون اتخذوا ايمانهم هجة؛ هنگامی منافقان نزدت می‌آیند می‌گویند که ما شهادت می‌دهیم که تو رسول خدائی و خدا می‌داند که تو رسول ایوی ولی خداوند درباره منافقان بنابراین منافقان از ایمان و دین به عنوان ابزار استفاده می‌کنند تعبیر اینکه آنان شهادت به رسالت و توحید را تنها برای جنه و سپر اختیار کرده‌اند نشان می‌دهد که ایشان درجامعه احساس خطر می‌کردند و برای اینکه خود را در دژ امنی قرار دهند و از آسیب‌های احتمالی از سوی دین و دینداران در امان بمانند به شهادتین روی آورده و ایمان اختیار کرده‌اند. در حقیقت دین ابزاری است که در پناه آن می‌کشند تا خود را از مومنان و جامعه ایمنی حفظ کنند. به همین دلیل گفته شد که نفاق زمانی در جامعه شکل می‌گیرد که اسلام و ایمان در قدرت باشند و کفران برای راهی و فشارهای قدرت اسلام به روی می‌آورند تا در پناه آن خود را هر گونه گزندی حفظ کنند. این گزند تنها از قدرت جامعه ایمانی محتمل است.

هرچند که ممکن است که این گزند و آسیب توهمی و نادرست باشد ولی تنها ترس از اسلام و جامعه ایمانی است که برخی از شهروندان را وادار می‌سازد که خود را در ظاهر مطابق با جامعه و سازگار و همراه با آن نشان دهند در حالی‌که برخلاف آن ایمان داشته و حرکت می‌کنند.

در آیه ۱۶ سوره مجادله نیز به همین مسئله اشاره کرده و تحلیل می‌کند که علت رهاواری منافقان در جامعه ایمانی به ایمان و اسلام تنها ترس است و برای حفظ خویش سبیر و زره اسلام را بر تن کرده‌اند تا با آن از آسیب‌های اجتماعی در امان بمانند.

جریان نفاق، جریانی است که دین را ابزار خویش قرار می‌دهد و با نگاه دین ابزاری به آن روی می‌آورد. این جریان از جریان‌های مخفی و زیرزمینی است. به سخن دیگر از خصوصیات و ویژگی‌های جریان نفاق حرکت‌های زیرزمینی و مخفی آنان است. به هدف ضربه زدن و جلوگیری از افزایش قدرت اسلام به اسلام روی می‌آورند تا داخل بر پیکر آن ضربه وارد سازند. از این روست که هدف از ورود به ایمان و اسلام تنها پناه بردن به سبیری است که در پناه آن بتوانند از درون تهدیدات خود را عملی سازند و به اهداف خویش دست یابند. سخن از گرفتن جنه و سپر اسلام برای سد و بستن راه خدا به میان آمده است: «تخذوا ايمانهم حنه فعدوا عن سبيل الله»

**۵- آثار سلبی استفاده ابزاری از دین**

به نظر می‌رسد استفاده ابزاری دین در جامعه و حکومت، چنان تأثیر منفی عمده داشته باشد:
۱- به علت بی‌بودنی که بین دین و سیاست و منافع یک قشر و گروه خاص شکل می‌گیرد، ناگهی‌های سیاسی به پای دین نوشته می‌شود و در نهایت تضعیف اعتقادات دینی و ناآرامی حکومت اسلامی را در پی دارد.
۲- روحانیت به عنوان نهادی که وظیفه تفسیر و تبیین و مرجعیت دین را دارد، بی‌اعتبار می‌شود، و به مرور مرجعیت و نقش فرهنگ‌سازی خود را از جامعه از دست می‌دهد. در واقع نتیجه همان استفاده ابزاری از دین است که تصور می‌شود خودگامی و استناد در پیوند با دین و روحانیت است.

۳- عامه مردم به ویژه جوانان به عنوان مخاطبان اصلی دین اسلام، به مرور سرخورده و واگرا می‌شوند، چرا که استفاده‌کنندگان ابزاری از دین، چهره واقعی و اصل دین اسلام را در عمل به آنان نشان نمی‌دهند.

۴- بسترسازی برای تقویت حاکمیت و فرهنگ‌سکولاریسم یکی دیگر از آثار سلبی استفاده ابزاری از دین است، چرا که حکومت‌های غیرالهی تا پیش‌نیاز تنفر از دین و واگرایی نسبت به دین الهی را در مقام تجربه نداشته باشند، نمی‌توانند بر مردم براجتی مسلط شوند و اقبال مردم را به همراه داشته باشند.

### سلوک عارفانه

**افراط در سخت‌گیری بر نفس جایز نیست!**
(بیان ای سلساک راه خدا) امام‌خمینی(ره) به طالبان سلوک الهی توصیه می‌کند که در سخت‌گیری بر نفس مراعات خودشان را بکنند، و به طور کلی از لذت‌ها دست نهند.
که این افراط، منشأ مفاسد بزرگی خواهد شد. چون نفس تحت فشار قرار گرفته و از آن شانه خالی می‌کند، به خصوص در ایام جوانی که گاهی این افراط، باعث تنفر همیشگی فرد از ذکر خدا می‌شود.<sup>(۱)</sup>

۱- آداب العلوٰله، امام‌خمینی(ره)، ص ۲۶